



**ذکر اوضاع «فرانس» و
دارالملک «پرس» و رسوم
وعادات اهل آن**

تمام آن ولايت قابل الزراعت، پرمیوه و درخت و هجوم مردم است. زمین آن اکثر مسطح هموار، بعضی جا کوهستان، هر دو سبز و خرم، پراز آبهای جاری، دره راندک فاصله قرا و شهرهای معمور موضع است^۱، چنانچه در این باب «انگلند» را شباهتی به آن نه. شکل جانوران و رویدگی وغیره ایضاً مخالف «انگلند» موافق به ایران و هند و سایر ملکهای عالم است. اسب در شباهت چون اسبهای ایران و عرب دیده شد که ظاهرشان بهتر از اسبهای «انگلند» است. اما شنیدم که توانایی اسبهای «انگلش» ندارند. گاوها بعینه چون هند حقیر جسته، و رسم عزاده بارکشی به گاوان از آنجا شروع شد. سگ آنقدر حسین و خود به نظر آمد که بعضی خردر از گریه و در بغل زنان در حین مشی می بود. راهها همه عریض مفروش به سنگ، هردو طرف قطار درختان موزون سایه دار بسیار آمن، بر معبرها پل مرتب، شهرها اکثر با حصار و قلاع. تا وقتی که به بلاد روم قدیم درآمد، در هر ملک «فرانس» زیر سایه درختان راه می رفتم.

ذکر رستاق^۲ «فرانس»

اما اوضاع رستاق و دهاقین «فرانس» به غایت ناپسندیده، و مطلقاً نسبتی به شهرهای خود ندارد. لباس و مقال زنان آنقدر ناملائم است که [دیدن] آن دهشت و نفرت می آورد، و لباس دیهاتیان هند مقابل آن، لباس اهل یهشت می نماید. مسافر خانهها به حدی کثیف که بعد عبور دریا تا «پرس» [ضبط خود از رفتن مکان ضرور^۳] نمودم. اما چون اوضاع مکان ضرورهای «پرس» [هم قریب بدان یافتم، به ضرورت اختیار کردم. طعام و شراب دیهات هم به همین نسبت.

ذکر طعام «فرانس»

و عدم لذت طعام در «پرس» و سایر بلاد روم هم عمومیت دارد، زیرا که مطبخ خاتم ایشان تکلف دارد، و به سبب کثیر صالح و سبزیها، لذت و بوی گوشت مفهوم نمی شود. آنچه [از] اقسام کبا بهاست، آنقدر برآتش می دارند که خونابه لطیف آن به تحلیل رفته، خشکی بر او غالب می شود. و در اقسام جوشیده ها آنقدر آب می ریزند و آتش تیز می کنند که لذت گوشت با بخار بد رفته ریشه ریشه جدا می شود، اما طبخ نمی گردد. و شاید گوشت را قبل از طبخ بسیار می شویند، به خلاف لندن که گوشت را

۱) یعنی هماده شده است، قراردادار.

۲) رستاق، روستا.

۳) یعنی مستراح.

بزرگ کناره آن هم از سنگ رخام، بند مستحکم بسته‌اند، از جزیره‌ای به جزیره، و از هرجزیره به شهرها راه است. زیرا که بهر اندک فاصله‌ای پلی مرفق عربیض عمارت کرده‌اند، مجموع از سی عدد متباور خواهد بود. دو سه‌از آنها در بزرگی و خوش اسلوبی، قریب به پلهای لندنند. حمامها، به خلاف لندن، در این شهر بسیار، ورسم رفتن هر روزه در گرما.

ذکر حمام‌کشی

از جمله اختراعات مستحسنة «فرانس» وضع حمام‌کشی است، زیرا که به مراتب طاهرتر از حمام خشکی است. تبیین آن اینکه کشتی‌های بزرگ خوش ساخت، مشتمل برده دوازده حجره و سیع به قطار و همین قدر حجره‌ها به قطار طرف دیگر در دریای «سین» به لنگراستاده است؛ و در حجره حوض مسی که دوشیردهان، یکی از منبع آب‌گرم و دیگری از آب سرد، در آن می‌ریزد منصوب است. منبع این حوضها بر سقف کشی ساخته، که آب به سبب «پنبه»، یعنی آلتی که آب را به بالا رفع، از دریا در آن می‌ریزد. محرك این «پنبه» موج دریا، بی‌اعانت کسی است. بنابراین ده دوازده کس به یک دفعه به خروج اندک در این کشتی غسل توانند کرد. برای مردو زن علیحده است. در هر دو قسم چاکران زنانه و مردانه هستند، مردان برای گرم کردن آب و شستن حجره‌ها، و زنان برای ساختن جامه خواب^۱ که غسیل بعد غسل در آن می‌رود. اکثر آنها جوان حسین و خوش لباس و با غسیل سازگار هستند. از ساحل تا این کشتی جسری به عرض تخته‌ای، که هر دو طرف دستگیر دارد، بسته‌اند، به آسانی باهوتوان رسید؛ و در بعضی حجره‌های این کشتی منفذی که از زینه‌پایه‌های آن به دریا رفته به آب دریا توان غسل کرد، تیزدارد؛ و طرف سکان سطحی است که میز طعام بر آن فرش کنند، و پس از آبیازی بر آن نشسته طعام خورند، بلکه در اثنای طعام خوردن مکرر به آب فروروند. و همچنین گازری ایشان نیز بر کشتی‌هایی معمول است که مخصوص کار گازری ساخته شده، به سهولت تمام این کار در آن شود. لهذا پارچه‌سفید، چون‌هنده، در «پرس» شویند، به خلاف لندن که گازری درخانه‌ها نمایند و پارچه سفید نتوانند کرد. در هر طرف شهر دو سه از این کشتیها ایستاده که یک از آن مسقف، برای کار «کندي گري» است. آلات آن کار و بخاری آتش جمله در آن مهیاست.

۱) یعنی برای مرتب کردن رختخواب.

زیاده از یک مرتبه نمی‌شویند. و چون آتش ایشان از دغال سنگ بسیار تیز است، بیرون گوشت زود پخته شده، آب اندرون گوشت خشک نمی‌شود. و مصالح بجز پیاز درست، آنهم در بعضی، معمول نیست. و در اقسام جوشیده آب کم اندخته به آتش ملايم می‌پزند، و بخاردیک می‌بندند. «ناه» علی هذا از سفرهای که زیاده از سی قسم طعام و نهایت تکلف برای من به کار رفته بود، گرسنه ارمی خاستم؛ و اگر احیاناً بهمراهی به آب جوشانده در روغن زیست برای محافظت اندخته، تحفه «سویس‌لاند»، یا گوشت خشکیده نمک سود ملک اسکالتند. که تازه در آب جوشانیده می‌خورند. بر می‌خوردم، نعمتی عظیم تصور می‌کردم. زیرا که لذت و بوی گوشت در آنها بود. در مدت دوماهه سفر بلاد «فرانس»، زیاده از پنج شش نوبت طعام سیر بالذت به خوردن نیامد؛ و همچنین اقسام حلويات ایشان شیرینی بسیار دارد، و لطفات طبخ نه. و اوضاع دکان خواهای خود آن مقدار زاپسندیده است که دیدن آن کراحت دارد، تا به رغبت خریدن چه رسد.

ذکر کنافت خانه‌های و آشخانه [کثرت] کدآها و شوخی ایشان، خصوصاً در فرا و رستاق به حدی است که دست مردم رامی گیرند و ایستاده کرده‌شوال می‌نمایند^۲. چون مسافر از «کوچ» فرود آید صد کس دفتاً دور او را می‌گیرند. چون از میان آنها جسته در آشخانه‌آید، بعضی در آنجا می‌آیند و ازیک لقمه نان هم رونمی‌گردانند؛ و سگان بزرگ آشخانه زیاده از گدآهای مسطور متفاضلی می‌باشند.

در بعضی قهقهه‌های «پرس» دیدم که نجاست آن سگان جا به جا افتاده، و مردم به کشیدن «تماکوی»^۳ بدبویی، که در بنگاله «چورت» گویند، مشغول و قهقهه‌خانه پراز دود متعفن است. اکنون مجلملی از احوال «پرس» بیان کرده می‌شود.

ذکر شهر «پرس» و خوبی آن شهر «پرس» به غایت بزرگ و عالیشان، به حدی که به ملاحظه اوضاع بیرونی آن، شهر لندن را با آن همه عظمت و خوبی به حساب نتوان گرفت. در خانه‌ها مرتفع، عمارت‌های عالی سنگین، کمتر از هفت طبقه نه، و بعضی جاتا یازده هم دیده شد.

دروسط شهر دریای^۴ شیرینی، که «سین»^۵ نامند، جاری است. و این «سین» در بعضی مواضع شهر منشعب شده و جزیره‌ها به هم رسیده^۶. آن جزیره‌ها هم معمور و چون هر دو شهر

(۱) یعنی متوقف کرده گدایی می‌نمایند.

(۲) یعنی قباکو.

(۳) یعنی شط، رود بزرگ.

(۴) یعنی می‌پیداشده.

(۵) یعنی Seine (سن).

بالجمله آنچه ذکر شده، به ملاحظه اوضاع بیرونی «پرس» بود. اما اوضاع اندرونی آن مطلقاً نسبتی به لندن، بلکه هیچ شهر خوب ندارد، و آرام زندگی در آن مفقود. زیرا که لذات زندگی بروخوبی اوضاع سه چیز کلی است: مقدم همه منزل است مشتمل بر صفا و فراغ و خلوت که نخستین مراد مردم است؛ احوال منازل «پرس» از بیان آینده معلوم شود. بعد از حصول نشیمن، مردم به فکر طعام و شراب ولذت آن می‌افتد؛ حقیقت لذات اطعمه «فرانس» گذشت. سیوم قوانین بهجهت سهولت حصول مرادات، در این باب شهر «پرس» اغلب مثل لندن باشد برای سکنه؛ اما برای غریب و مسافر هرگز چون لندن معین و کار روانه.

ذکر وضع خانه‌های «پرس»

اما عمارت‌ها، اگرچه از طرف بیرون بسیار عالی است، اما از جانب اندرون همه عامیانه، در یچههای ایوان گفت است. اگرچه اکثر مذهب و مzin می‌باشند، اما مخالف سلیمانی مستقیم، از سادگی دور. در یک خانه که مشتمل بر یک در و یک صحن سراست، دور آن برای پنجاه شصت کس زن و مرد، شریف و کمینه، توی هم، در هفت هشت طبقه منزل مقرر است. بنابراین کنافت وشور و غوغای لازم آن است. و رسم آویختن زنگ در حجره‌ها نیست، زیرا که چاکران خانه بنابر کثربت سکنه، بجز آب خوردن و روشنست که روزی یک دفعه، غیرمعین، در حین فرست، در حجره گذارند، و همان زمان جامد. خواب هم درست نمایند، مرتبه دیگر حاضر نمی‌شوند. بنابراین بر کرایه دار لازم است که چاکری برای خدمت خود بهادرت یک «گنی» در هفته، نگاه دارد یا از پر خدمت تصدیع کشد. و اوضاع بخاری آنقدر چرک و ناملايم است که از دیدن آن نفرت حاصل آید. بهخلاف لندن که در یک خانه بجز منزل دو سه کس نیست، غوغای و کنافت از این جهت نه؛ و اگر پنجاه دفعه روزی زنگ بجنبانی، خادم خانه جواب می‌دهد. و بخاری خوشایندتر از چمن پرگل و گلداهه است، و روشی شب اگرچه در «پرس» معمول است، اما بسیار اندک که فقط برای راه رفت شخص تبیین کافی باشد. زیرا که دکانداران چندان روشی نمی‌نمایند، و دکانها به سبب قلت آینه‌ها و گرفتن چرک قابل روشی نیست. بیت‌المال یک قندیل بزرگ در وسط کوچه، بعد فاصله‌ای بعيد، روشی می‌کند که بر ریسمانها آویخته است، و سر ریسمانها به سقف خانه‌های مردم بسته. روزانه دیدن آن ریسمانها مکروه است. در بلاد روم آنقدر هم روشی معمول نیست، اعزه قندیل با خود گردانند. و ایضاً کوچه‌های «پرس» تقسیم برای پیاده و سوار ندارد، و اکثر تنگ و مفروش به سنگهای ناهموار است.

بنابراین آن سرور مشی هر وقت (وسیر و شنی شب)، که در لندن بود، از اینجا زدست رفت. عجبتر این که در لندن هر کسی از گرانی نرخ اشیا نالشی و راوی ارزانی «پرس» بود؛ لیکن من در «پرس»، بلکه سایر بلاد فرانس و روم، هر قدر که عبور کردم نرخ اشیای ضروری را گرانتر از لندن یافتم.

بالجمله از جمله امکنه لطیفة «پرس» یکی «بلوار»

است، و آن راسته‌ای است وسیع، با فضای دور تا دور شهر قدیم؛ بر طریق لندن منقسم است بر سه راه، وسطی به قدر بیست و پنج گز عرض برای «کوچ» واسه‌ها؛ طرفین برای پیاده. [هروکنار راه] پیاده درختهای موژون برای سایه نشانده‌اند، چنانچه چهار قطار به یکبارگی در نظر مرئی می‌شود، و هر یک از آن دو به عرض هفت هشت ذرع مسطح و هموار است. یک سمت این راسته در زیر درختان، دکانهای میوه‌فروشی و بزاری و بزاری و مصویری وغیره به قطار خوش‌نمایی، که اشیارا مرغ خاطر خریدار نماید، عاریتاً بر میزها گسترانیده‌اند. صبح و شام اهل شهر از زن و مرد برای مشی و خرید آن اشیا، که از دکاکین شهر ارزانتر است، در این راسته به حرکت می‌آیند، و جمعیتی چون سیر گاهها، مداماً رومی‌دهد.

دوم «پلی رویال»^(۱)، و آن قبل از این مفصله، خانه برادر پادشاه بوده، در این ولا سیرگاه عام است. چندین در دارد و یک صحن مربع طولانی که به قدر دو صد گز در عرض و پانصد در طول خواهد بود. در میان صحن، خیابانها و درختان موژون، چمن، گلها و سبزه است. دور تا دور صحن دلانهای مرتفع است، پیش‌گشاده به عرض ده گز که برستونهای مرتفع ایستاده یک سمت دلانها متصل به دیوار بیرونی عمارت، و دکاکین عالی مملو از اشیای نفیسه کل عالم، بهزیست تمام چیده، خصوصاً دکان چینی و ساعت و میوه‌فروشی که بسیار پر و نقر از لندن است.

ذکر خوبی چینی «فرانس»

علمون باد؛ چینی [«فرانس»] در طلاقاری و نقاشی، در تمام فرنگ نامدار است. در ملکهای دیگر که می‌رود، بر مثال آینه و تصویر بر طاقهای خانه می‌چینند، و از نهایت تحفگی بجز برای مهمان عزیز، استعمال نمی‌نمایند.

زیاده بریست و پنج قهوه‌خانه عالی مرتفع پیش‌گشاده در این محوطه واقع است، که

(۱) یعنی آن نشاط که برای قدم زدن و گردش در هر وقت وجود دارد.
Boulevards (۲)
Palais Royal (۳)